



علی ملکی،میرنکار گروه سیاست

مذاکرات ایران و آمریکا در شرایطی وارد مرحله کارشناسی می شود که بخشی از بدنه قدرت و سیاست ایالات متحده در تلاش برای متوقف کردن آن است. معمولاً همه فرایندهای مذاکراتی ناچرازند علاوه بر رازینِ های مستقیم با طرف مقابل ، با عوامل پشت صحنه میز مذاکره از جمله افشار مختلف مردم ونخبگان کلنجاربر روند.مسیر اجرای تعهدات راهموار کنند. درنظم کنونی اما ماجرا کمی فرق می کند. به صورت کلی دو گروه در ایالات متحده دمام در حال مانع تراشی برای حصول توافق میان ایران و آمریکا هستند. گروه اول؛ لای های صهیونیستی. یهودی ها در مجموع کمتر از ۳ درصد جمعیت آمریکا را شکل می دهند.و وقتی از «لایِ های صهیونیستی» حرف می زنیم، طبیعتا این عدد کمتر می شود؛ اما همین ریزه صهیون ها، تأمین کننده بخش اعظمی از منابع مالی مورد نیاز در ایالات متحده و باعث وبائی بسیاری از مصائب کشور های اسلامی و غیراسلامی هستند. بنابراین نمی توانند با خاطری آسوده رفت و برگشت های استیو ویتکاف، نماینده ترامپ در مذاکرات با ایران را دنبال کنند. مجاله شدن چهره بنیامین نتانیا هو در میانه های دیدار اخیرش با ترامپ حکایت از همین موضوع داشت. گروه دوم اما شامل برخی چهره ها و بنیادهای ضد ایرانی و گروه های مرتبط با آن ها مانند سازمان منافقین ، اندیشکده ها و شخصیت هایی مانند جان بولتون هستند که منافع سیاسی و اقتصادی خود را در گروی تداوم خصومت بین ایران و آمریکا می بینند. این دسته غالباً در زمین رسانه، علیه هرگونه توافق با ایران بازی می کنند.

■ ■ ■

■ **مفهوم لابی در آمریکا**

■ **نقش لابی های صهیونیستی**

لابی گری در ایالات متحده یکی از ابزار های اصلی تأثیرگذاری بر سیاست گذاری است که تحلیل ساختار غیر متمرکز سیاسی این کشور، امکان نفوذگر وهای مختلف را فراهم کرده است. البته ترامپ نشان داده که لابی ها از طریق ارتباطات با اعضای کنگره، مقامات اجرایی و رسانه ها، سیاست های دولت را در راستای منافع خود شکل می دهند. در این میان، لابی های صهیونیستی، به ویژه کمیته امور عمومی آمریکا و اسرائیل (AIPAC)، به دلیل قدرت مالی، سازمان دهی قوی و نفوذ در بدنه تصمیم گیری آمریکا، از تأثیرگذار ترین گروه های لابی محسوب می شوند. این گروه ها با تأثیرگذاری و جهت دهی، سیاست خارجی آمریکا را به نفع رژیم صهیونیستی هدایت می کنند. آن ها از طریق کمک های مالی به نامزدهای انتخاباتی، فشار بر قانون گذاران و ایجاد اجماع در کنگره، توانسته اند حمایت بی قیدو شرط آمریکا از اسرائیل را تضمین کنند. به گفته جان مرشایمر و استفان والث در کتاب «لابی اسرائیل و سیاست خارجی آمریکا»، نفوذ این لابی به حدی است که سیاست خارجی آمریکا در خاور میانه عمدتاً تحت تأثیر منافع اسرائیل قرار دارد، حتی زمانی که این سیاست ها با منافع ملی آمریکا یا ملاحظات اخلاقی در تضاد است.

■ **انواع لابی صهیونیستی**

لابی های صهیونیستی محدود به گروه های فشار رایج نمی شوند و به واسطه ثروت و نفوذی که دارند، در دسته های مختلفی قرار می گیرند.

اول؛ سازمان های رسمی و غیر رسمی: برخی سازمان ها مانند AIPAC به صورت رسمی لابی های صهیونیستی را کارگردانی می کنند. این سازمان با بودجه ای هنگفت و شبکه ای گسترده از حامیان، نقش هماهنگ کننده اصلی را در پیشبرد منافع اسرائیل ایفا می کند. آن ها با نفوذ در کنگره، مانع از هرگونه انتقاد رسمی از اسرائیل شده و قانون گذاری هایی را ترویج می کنند که امنیت و بقای رژیم صهیونیستی را تضمین سازد.

از سوی دیگر نهادهایی مانند «آپیک»، «اتحاد علیه ایران هسته ای» و «بنیاد دفاع از دموکراسی ها» با تولید محتوا و گزارش های جهت دار، به توجیه سیاست های خصمانه علیه ایران کمک می کنند. این بنیادها معمولاً با نهادهای اطلاعاتی آمریکا و رژیم صهیونیستی همکاری نزدیکی دارند و بودجه های سنگین خود را از همین لابی ها تأمین می کنند.

دوم؛ سابه داران: برای ترامپ پول حرف اول را می زند. کارت طلایی شهروندی

پشت صحنهٔ فشارهای رسانه‌ای و دیپلماتیک را بشناسید

لابیست های تنش



■ **نقش بنیادها و اندیشکده های ضد ایرانی**

اندیشکده ها و بنیادهایی مانند «آپیک»، «اتحاد علیه ایران هسته ای»، «بنیاد دفاع از دموکراسی ها» و مؤسسه «گیتشتون» از بازیگران اصلی در ترویج سیاست های خصمانه علیه ایران هستند. این نهادها با تولید گزارش های گمراه کننده، لابی گری در کنگره و فشار بر شرکت های بین المللی برای قطع همکاری با ایران به تداوم تحریم ها و تنش ها کمک می کنند.

کمیته روابط عمومی آمریکا و اسرائیل (AIPAC): کمیته روابط عمومی آمریکا و اسرائیل (آپیک)، به عنوان لابی قدرتمند صهیونیستی که نفوذ گسترده ای در ساختار سیاسی آمریکا دارد، با هدف توقف برنامه هسته ای صلح آمیز ایران، از ابزارهایی مانند تحریم های اقتصادی، ترور دانشمندان هسته ای و حمایت از گروهک هایی مانند منافقین استفاده می کند. کیت ویسمن، تحلیل گر آپیک، در گفت وگویی فاش کرده که این سازمان با ادعای ارتباط صدام (القاعده، جنگ عراق را تسهیل کرد و اکنون با همان روش ها از جمله تحریم های نفتی و ایجاد هرج مرج به دنبال تغییر رژیم در ایران است.

آپیک از دهه ۱۹۹۰ ایران را هدف بعدی خود پس از عراق قرار داد و با همکاری عربستان سعودی، از جمله حمایت بندر بن سلطان و عادل الجبیر، به انزوای اقتصادی ایران پرداخته است. با وجود موفقیت این تاکتیک ها در عراق، پایه های انقلابی و اسلامی ایران مانع از تحقق اهداف آپیک و متحدانش شده و این طوطنه ها تاکنون ناکام مانده اند.

اتحاد علیه ایران هسته ای: «اتحاد علیه ایران هسته ای» توسط افرادی مانند گری سیمور، دبیر راس و جان بولتون هدایت می شود که همگی از مقامات سابق آمریکایی با ارتباطات نزدیک با رژیم صهیونیستی هستند. حضور افرادی مانند تامیر پردو (رئیس مسابق موساد) و اولی هاینونن (رئیس سابق بازرسان آژانس بین المللی انرژی اتمی) نشان دهنده پیوند این نهاد با نهادهای اطلاعاتی است. آن ها با ردیابی شرکت های همکار با ایران و تهدید آن ها به تحریم، به مسلودسازی مسیرهای اقتصادی ایران کمک می کنند. این گروه همچنین سیستم ردیابی کشتی های ایرانی (MINERVA) را راه اندازی کرده تا مانع دور زدن تحریم ها توسط ایران شوند.

«اتحاد علیه ایران هسته ای» انتشار گزارش هایی که ایران را بعنوان تهدید هسته ای، حقوق بشری و حامی تروریسم معرفی می کند افکار عمومی و سیاستمداران غربی را علیه ایران تحریک می کند. بودجه این اندیشکده عمدتاً توسط منابع متعلق به افرادی مانند شلدون آلدسون و توماس کاپلان تأمین می شود که هر دو از حامیان سرسخت رژیم صهیونیستی هستند.

بنیاد دفاع از دموکراسی ها (FDD): این بنیاد با تمرکز بر مسائل حقوق بشری و هسته ای، سیاست های تحریمی علیه ایران را ترویج می کند. FDD با افرادی مانند مارکدو بویتزو و سمید قلسمی زاد، که پیشینه ادات تحریمی علیه بخش های اقتصادی ایران ارائه می دهند، همکاری می کند. آن ها با ارائه گزارش هایی که منابع مالی ایران پس از احیای برجام را اغراق آمیز نشان می دهند به ایجاد هراس در میان سیاستمداران

حسن بهشتی پور، کارشناس مسائل بین الملل در گفت وگو با «فرهیختگان»:

دستورکار مذاکرات ملاک تحلیل است، نه فضا سازی رسانه‌ای

داخلی سواد رسانه‌ای مردم را افزایش داد و اعتماد آن‌ها را به رسانه‌های ایرانی جلب کرد تا اسیر بازی های رسانه‌ای اسرائیل و غرب نشوند. »

■ **هماهنگی با کشورهای منطقه موضع ایران در مذاکرات را تقویت می‌کند**

بهشتی پور در مورد حلیاه پیشنه‌اد عربستان مبنی بر دیدار رؤسای جمهور ایران و آمریکای کطی مسفر ترامپ به ریاض معتقد است چنین شایعه‌ای صحت ندارد و اگر صحت داشت، وزیر خارجه عربستان چنین پامی را منتقل می کرد و نه وزیرس دفاع. او در این مورد توضیح داد: «همه می دانند برای نتیجه بخش بودن مذاکرات، ابتدا باید در سطح کارشناسی، پخت و پزهای لازم انجام شود؛ یعنی جزئیات چکش کاری شود، خطوط دو طرف به هم نزدیک شود و مشخص شود دستورکار دقیقاً چیست. در این شرایط نمی توان یکباره سطح مذاکرات را به سطح رؤسای جمهور دو کشور برد. بنابراین فکر می کنم ابتدا مذاکرات غیرمستقیم باید به یک دستورکار مشخص برسد. سپس اگر دو طرف راضی باشند، ممکن است به سمت مذاکرات مستقیم پیش برود. بعد از آن اگر نهایی شد، می توان انتظار داشت که رؤسای جمهور یا مقامات دیگر دیدار کنند. این خبرسازی ها، مثل این که وزیر دفاع حامل پیشنه‌ادهایی است، قاعدتاً صحت ندارد. اگر قرار بود چنین پیشنه‌ادهاهی مطرح شود، وزیر خارجه عربستان این کار را می کرد. مسفر وزیر دفاع عربستان اولاً از قبل هماهنگ شده بود و ثانیاً نشان دهنده این است که ایران با کشورهای منطقه همکاری می کند و برای آن ها توضیح می دهد که دقیقاً چه خط و خطوطی را دنبال می کند. برخلاف فضای حاکم بر برجام که کشورهای منطقه مثل امارات و عربستان سعودی مخالف بودند، چون معتقد بودند توافقی موقعیت ایران را در منطقه تقویت می کند، حالا به این جمع بندی رسیده اند که مصالحه می تواند امنیت و ثبات منطقه را بهتر تأمین کند. به نظرم الان امارات، قطر، عمان و عربستان از توافق استقبال می کنند. برخلاف اسرائیل، اسرائیل به شدت نگران هر نوع توافقی است و دنبال کارشکنی است تا جلوی پیشرفت مذاکرات یا به نتیجه برسد را بگیرد.»

آمریکایی کمک کرده اند. این بنیاد همچنین تحریم هایی را علیه صنایع کلیدی ایران، مانند خودروسازی پیشنهاد کرده که مستقیماً معیشت مردم را هدف قرار می دهد. **مؤسسه گیتشتون:** گیتشتون که توسط نینار ووزنولد تأسیس شده و با افراد تدرویی مانند جان بولتون و امیر طاهری مرتبط است به دلیل انتشار مطالب اسلام ستیزانه و ایران ستیزانه شناخته می شود. این مؤسسه با انتشار گزارش های دروغین درباره ایران، به ویژه در موضوع برنامه هسته ای و نقش ایران در منطقه، به تحریک سیاست های خصمانه کمک می کند. گیتشتون ایران را به عنوان تهدیدی جهانی معرفی می کند و در گزارش های خود ایران را مقصر اصلی مناقشات منطقه ای از جمله جنگ فلسطین-اسرائیل قلمداد می کند. این مؤسسه همچنین با گروهک منافقین همکاری نزدیکی دارد و مطالب آن در رسانه های این گروه بازنشر می شود.

■ **بازی گردان ها**

علاوه بر بنیادها برخی افراد و گروه های ایرانی تبار و غیر ایرانی نیز به عنوان ذینفعان شکست مذاکرات عمل می کنند. این افراد اغلب با گروه های اپوزیسیون، به ویژه سازمان منافقین یا جریان های سلطنت طلب همکاری دارند و از طریق فعالیت های رسانه ای و لابی گری به تشدید فشار بر ایران کمک می کنند. **جان بولتون:** بولتون که بین سالهای ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۸ رئیس هیئت مدیره گیتشتون بود و به عنوان مشاور امنیت ملی ترامپ خدمت کرد از سرسخت ترین مخالفان ایران است. او با دریافت مبالغ هنگفت از گروهک منافقین بارها از براندازی نظام ایران حمایت کرده است. بولتون نقش کلیدی در خروج آمریکا از برجام داشت و سیاست فشار حداکثری را ترویج کرد. **امیر طاهری:** طاهری، اپوزیسیون سلطنت طلب و رئیس فعلی هیئت مدیره گیتشتون با انتشار مقالات تحریف شده در باره تاریخ و سیاست ایران به تخریب وجهه ایران کمک می کند. او از تحریم های نفتی علیه ایران حمایت کرده و در جریان ناآرامی های ۱۴۰۱، از حامیان رضا پهلوی بود.

معید رفیع زاده: رفیع زاده که ادعاهای متعددی در باره مدارک تحصیلی و سوابق خود دارد، یکی از نویسندگان کلیدی گیتشتون است که تمرکز ویژه ی بر برنامه هسته ای ایران دارد. او با گروهک منافقین همکاری نزدیکی دارد و گزارش های متعددی علیه مذاکرات هسته ای منتشر کرده است.

گروهک منافقین: منافقین که به دلیل اقدامات تروریستی در ایران بدنام است، از طریق لابی گری در آمریکا و اروپا، به ویژه با افرادی مانند بولتون و رفیع زاده به تخریب مذاکرات هسته ای کمک می کند. این گروه با انتشار اطلاعات گمراه کننده درباره برنامه هسته ای ایران به ایجاد هراس در غرب دامن می زند. **شخصیت های رسانه ای:** افرادی مانند مسیح علی نژاد، سیما ثابت و مهدی پرپنچی از طریق فعالیت در رسانه هایی مانند اینترنشتال و بی بی سی با انتشار اخبار جعلی و تحریک به آشوب به تشدید فشار های بین المللی علیه ایران کمک می کنند. این افراد اغلب از تحریم ها حمایت کرده و خواستار توقف مذاکرات هسته ای شده اند. البته پس از بازگشت ترامپ به قدرت، فاندله و بول توجیبی این افراد قطع شده و حالا دیگر به شدت قبل نمی توانند علیه ایران پروژه بگیرند.

■ **علیه دیپلماسی**

این بنیادها و افراد با ایجاد فضای اسلام هراسی و ایران هراسی و ارائه اطلاعات نادرست و مغرضانه سعی می کنند تصمیم گیران آمریکایی را از کاهش تنش بسا ایران بازدارند و بر افکار عمومی جهانی تأثیر بگذارند. آن ها با تمرکز بر موضوعات هسته ای، حقوق بشری و نقش منطقه ای ایران تصویر ی تهدید آمیز از ما را ترسیم می کنند که مذاکره را عملاً غیر ممکن جلوه می دهد. اگر نیت واقعی ترامپ را کاهش تنش با ایران بدینم تداوم تنش بین طرفین نتیجه اقدامات هماهنگ لابی های صهیونیستی، بنیاد های ضد ایرانی و افرادی است که منافع سیاسی و اقتصادی خود را در گروی خصومت بین دو کشور می بینند. لابی های صهیونیستی، به ویژه AIPAC، با نفوذ در ساختار سیاسی آمریکا، سیاست خارجی این کشور را به نفع اسرائیل و در راستای تضعیف ایران هدایت می کنند. بنیاد های مانند UANI، FDD و گیتسئون با تولید محتوای جهت دار و لابی گری به تشدید تحریم ها و جلوگیری از مذاکرات کمک می کنند. افراد و گروه های ایرانی ضد ایرانی، از جمله منافقین و شخصیت هایی مانند بولتون و طاهری نیز با انتشار اطلاعات نادرست و تحریک به آشوب این روند را تقویت می کنند.

حسن بهشتی پور معتقد است فضای رسانه‌ای با واقعیت مذاکرات متفاوت است و باید با افزایش سواد رسانه‌ای، مردم را از فضا سازی های اسرائیل و غرب مصون کرد. در گفت وگویی که با این کارشناس بین الملل داشته ایم، او تأکید دارد دستورکار مذاکرات ملاک اصلی تحلیل است و حضور گروسی در مذاکرات برای نظارت آژانس و خنثی سازی بهانه جویی های اسرائیل، مثبت است.

■ ■ ■

■ **فضا سازی رسانه‌ای با واقعیت مذاکرات متفاوت است**

حسن بهشتی پور با اشاره به اینکه اصولاً آنچه در رسانه ها اعلام می شود، همیشه با آنچه در مذاکرات مطرح می شود منطبق نیست، گفت: «ما یک سیاست اعلانی داریم، یعنی آنچه رسماً در رسانه ها اعلام می شود و یک سیاست اعمالی داریم، یعنی آنچه در عمل انجام می شود. این دو نه تنها در مورد ایران و آمریکا، بلکه در مورد همه کشورهای دنیا متفاوت است. البته در بعضی موارد ممکن است به هم نزدیک باشند. بنابراین، کشور ها در دیپلماسی رسانه ای خود سعی می کنند آنچه مورد نظرشان است را فضا سازی، روی ت سازی و مفهوم سازی کنند و بر اساس آن، بهره برداری خاص خود را خارج از میز مذاکرات انجام دهند تا فضای مطلوبی برای خود روی میز مذاکرات ایجاد کنند. اما آنچه روی میز مذاکرات می گذرد کاملاً متفاوت با فضای رسانه ای است. بنابراین می خواهم بگویم باید به افکار عمومی آگاهی دهیم تا اسیر فضا سازی های آمریکایی ها و موضع گیری های ترامپ و امثال او نشوند. آنچه مهم است، موضوعاتی است که سر میز مذاکرات مطرح می شود و این ملاک است. به اصطلاح باید ببینیم دستورکار چه خواهد بود و چگونه نهایی می شود. امروز که موضوع به نشست کارشناسان حواله شده و قرار است چهارشنبه به این موضوع رسیدگی کنند، همین که مذاکرات به سطح کارشناسی رسیده نشان می دهد احتمالاً روی کلیات به توافق رسیده اند، اما هنوز به جزئیات نرسیده اند و نتوانسته اند آن را نهایی کنند. حالا باید ببینیم